

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

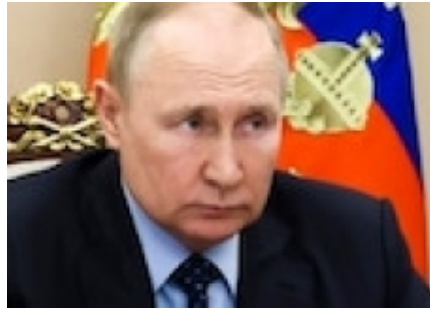
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: آنتی کریگ، ۱۰ سپتمبر ۲۰۲۲*
نویسنده: پاول کریگ رابرتس
برگردان: م. نوری
۰۸ اکتوبر ۲۰۲۲

اخلاق مداری اغراق آمیز پوتین تغییر خواهد یافت؟



راشا تودی گزارش داد:

«وزارت دفاع روسیه عقب‌نشینی نیروهای نظامی خود از بسیاری از بخش‌های منطقه "خارکف" را در میانه حمله تلافی‌جویانه نیروهای نظامی اوکراین تأیید کرد.»

«روز شنبه به ارتش روسیه و نیروهای نظامی «دونیتس» دستور داده شد شهر "ایزیوم" را ترک کنند.»

«اخباری مبنی بر ورود واحدهای ارتش اوکراین به "کوپیانسک" که روسیه از آن به‌عنوان مرکز لجستیکی استفاده می‌کرد و همچنین درگیری‌هایی در جوار "کراسنی لیمان" گزارش شده است.»

و «ساوت فرونت. آرگ» گزارش داد:

«نیروهای نظامی روسیه عقب‌نشینی می‌کنند.»

تلاش کرملین در پیشبرد جنگی با حداقل تجهیزات نظامی و بدون ایجاد اختلال در فعالیت دولت و نهادهای عمومی مناطق غربی اوکراین و همچنین سرازیر شدن سیل تسلیحات ایالات متحده آمریکا و ناتو به اوکراین اکنون سرافکنده به‌بار آورده و نیروهای نظامی اوکراین موفق شده‌اند خطوط دفاعی ارتش روسیه در منطقه «خارکف» را درهم شکنند. جای تعجب خواهد بود اگر روسیه که دارای قدرت نظامی به‌مراتب قوی‌تری به نسبت اوکراین است، نتواند در اسرع وقت کنترل نظامی بر دونباس را مجدداً به‌دست آورد. ولی موفقیت اوکراین، حتی اگر موفقیتی موقت و محدود باشد، «عملیات محدود» پوتین را محکوم به شکست کرده است، عملیاتی که از ابتداء نیز محکوم به شکست بود.

عملیات محدود از همان آغاز هم محکوم به شکست بود زیرا روسیه چنین تصور مسخره‌ای داشت که واشنگتن اجازه خواهد داد عملیات نظامی محدود بماند. می‌توان گفت که توسعه یافتن دامنه جنگ در اوکراین قطعی و تضمین شده بود. گسترش جنگ را مجریان تلویزیون روسیه هم درک کرده‌اند و می‌گویند که جنگ نیابتی بین ایالات متحده آمریکا و روسیه خاتمه یافته و حال روسیه درگیر جنگی واقعی و رودررو با ایالات متحده و عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی ناتوست. برای این که روسیه بتواند به جنگ در اوکراین ادامه دهد باید وارد جنگی تمام عیار شود و فعالیت دولت مستقر در کیف و ساختارهای دولتی و زیرساخت‌های غیرنظامی را متوقف کند، ساختارهایی که به اوکراین امکان می‌دهند جنگ علیه روسیه را با فراغ بال ادامه دهد و سلاح‌های مرگبارتری از غرب دریافت کند. جای شگفتی است که پوتین گرفتار چنین تصویری بود که نیروهای نظامی اوکراین را از دونباس خواهد راند و بعد توافقنامه‌ای برای ختم جنگ منعقد خواهد نمود.

موفقیت اوکراین در غافلگیر کردن نیروهای نظامی روسیه موجب گسترش بیشتر جنگ خواهد شد، آتش اشتیاق غرب را که فروکش کرده بود شعله‌ورتر خواهد کرد و ایالات متحده برای اعمال فشار بیشتر به پوتین به اقدامات تحریک‌آمیز علیه روسیه شدت خواهد بخشید. نوکان‌ها اصرار خواهند ورزید ایالات متحده و ناتو نیروهای نظامی خود را در مرزهای روسیه تقویت کنند و در جمهوری‌های تازه‌تأسیس‌شده در دونباس اغتشاش ایجاد کنند تا چنین تصویری به روسیه القا شود که حمله نظامی بزرگی علیه این کشور تدارک دیده شده، آن هم در وضعیت فعلی که روسیه در خاک اوکراین در تله گرفتار است. اگر چنین اتفاقی بیفتد فتیله جنگ اتمی روشن شده است.

کرملین موقعی بازی را واگذار کرد که به واشنگتن اجازه داد دولت اوکراین را ساقط کند و دولتی دست‌نشانده و ضد روس را در کیف بر سر کار آورد. و کرملین دوباره بازی را باخت زمانی که فرصت پیوستن دونباس به روسیه را از دست داد تا به مناقشه‌ای که هنوز آغاز نشده بود خاتمه دهد و کرملین با عملیات نظامی محدود در دونباس یکبار دیگر نیز دچار خطا شد زیرا آنچه ضروری بود حمله‌ای برق‌آسا برای درهم کوبیدن اوکراین بود پیش از این که غرب بتواند واکنش نشان دهد.

علل این خطاهای استراتژیک کرملین چیست؟ من هم با قطعیت نمی‌دانم. حدس من این است که پوتین اعتقاد به گلوبالیسم دارد و در پی این هدف است که روسیه به‌عنوان عضوی در نظم جهانی غرب پذیرفته شود. این هدف محدودیت در آزادی عمل را به وی تحمیل می‌کند. پوتین درخواست جمهوری‌های دونباس برای الحاق مجدد به روسیه را نپذیرفت زیرا این اقدام را تأییدی بر پروپاگاندای غرب و اتهام احیای امپراتوری شوروی می‌دانست. پوتین با تصرف برق‌آسای اوکراین موافقت نکرد زیرا بر این گمان بود که این اقدام اروپا را برای همیشه به دامن ایالات متحده خواهد انداخت. پوتین خود را موظف به رعایت مقررات بین‌المللی که واشنگتن و ناتو اعتنائی به آن ندارند می‌داند تا اثبات کند که روسیه مقید به رعایت قوانین است و به‌عنوان آخرین ابزار از توسل به زور استفاده می‌کند.

رامحل پوتین توافق بود، مانند توافقنامه مینسک که روسیه به امید تحقق آن هشت سال را از دست داد و یا پیشنهاد توافقنامه‌ای در باره تضمین امنیت متقابل که کرملین تلاش کرد پیش از آغاز عملیات نظامی محدود در اوکراین با واشنگتن و ناتو منعقد کند. چرا کرملین تا این حد برای انعقاد توافقنامه اهمیت قائل است با این که بارها از این که واشنگتن هر توافقنامه‌ای را نقض می‌کند شکوه داشته؟ هدف کرملین عبارت از این بود جایگاهی متناسب با وزن روسیه در غرب بیابد، امری که موجب شد کرملین دچار بی‌عملی شود و خود را از اتخاذ سیاستی فعال علیه دشمن محروم نماید.

بیگیری چنین هدف غیرواقع‌بینانه‌ای نادیده گرفتن دکترین «پاول ولفوویتس» در مورد سرکردگی ایالات متحده آمریکا بر جهان است و نباید از نظر دور داشت که قدرت عظیم ایالات متحده و بودجه مجتمعی نظامی - امنیتی آن نیاز به دشمن شماره یک، روسیه دارد. هدف ترمپ این بود روابط با روسیه را عادی‌سازی کند، امری که منجر به سقوط وی شد. چه چیزی باعث شد روسیه علی‌رغم دلیل قوی و محکمی مانند سقوط ترمپ به تصورات واهی خود بچسبد و از «شرکای غربی ما» صحبت کند؟

پوتین از جهات مختلفی رهبری بزرگ و انسانی است طرفدار صلح. ولی او وضعیت موجود را کاملاً غلط ارزیابی کرد. رواداری وی در تحمل تحقیرها و اعمال تحریک‌آمیز منجر به جری‌تر شدن غرب شد و این اعمال تحریک‌آمیز به مرزی رسیده‌اند جنگی به راه اندازند که غرب را نابود خواهد کرد.

[* http://antikrieg.com/aktuell/2022_09_10_fliegtputins.htm](http://antikrieg.com/aktuell/2022_09_10_fliegtputins.htm)

(این مطلب ابتداء در تاریخ ۱۰ سپتامبر در وبسایت «Paul Craig Roberts» منتشر شده است.)